

ابزارهایی گفته می‌شود که از گذشته برجای مانده است. این بخش از فرهنگ عامه از آن حیث که معرف نوع افکار، احساسات و الگوهای رفتاری نسل‌های گذشته و جنبه‌های سنتی جامعه‌ی کنونی است، جزئی از فرهنگ عامه به‌شمار می‌آید. سنت‌های مادی را (چون در پاسخ به نیازهای مادی انسان شکل می‌گیرند و معرف افکار و ارزش‌های مربوط به چگونگی پاسخهای جامعه به این نیازها هستند) می‌توانیم به چهار دسته تقسیم کنیم: ابزارها (آلات موسیقی، ابزارهای جنگ، وسایل نقلیه، ابزارهای کشاورزی و...)، مسکن (بناها و شهرها)، خوراک (غذاهای نوشیدنی‌ها داروها و...)، پوشاک (انواع لباس‌ها، کفش‌ها، کلاه‌ها لباس‌های جنگ، لباسهای کار و...)

سنت‌های رفتاری: مجموعه رفتارهایی که در جامعه میان عده‌ی زیادی از افراد مشترک است و نوعی فشار اجتماعی برای اجرا و عمل کردن به آنها وجود دارد و جنبه غیرشخصی و الگویی دارند. سنت‌های رفتاری ریشه در نظام ارزش‌ها و باورهای جامعه دارند و برای جامعه مهم تلقی می‌شوند، اما میزان اهمیت آنها یکسان نیست، برخی مهم‌تر بوده و عدم توجه به آنها مجازات اجتماعی به همراه دارد، و برخی دیگر با فشار اجتماعی یا ضمانت اجرایی کمتری توأم است. سنت‌های رفتاری در سه گروه جای دارند: الف - رسوم اخلاقی، ۱۴ ب - شیوه‌های قومی، ۱۵ ج - عرف و عادت. ۱۶

رسوم اخلاقی مجموعه رفتارهایی است که برخاسته از ارزش‌های جامعه می‌باشد و بی‌توجهی به آنها توأم با فشار اجتماعی شدید است، حال آنکه رعایت آنها مطلوب و پسندیده تلقی می‌شود و حیثیت اجتماعی برای افراد ایجاد می‌کند.

شیوه‌های قومی عبارتند از عادات یا روش‌های سنتی انجام کارها که از این میان آن دسته که شامل شیوه‌های مطلوب عمل باشند، مجاز و یا مورد ترجیح و تمایل جامعه هستند. اگرچه تخلف از شیوه‌های قومی با مجازات همراه نیست، اما فشار اجتماعی به مثابه ضمانت اجرایی آنها است. جشن‌ها، آداب و آیین‌ها نمونه‌هایی از شیوه‌های قومی هستند.

عرف به آن دسته از رفتارهای اجتماعی گفته می‌شود که مورد پذیرش جامعه هستند، لیکن کمترین فشار اجتماعی، اجرای آنها را ضمانت می‌کنند. رفتارهای عرفی در زمره ادب و نزاکت اجتماعی قرار دارند.

طبقه‌بندی مذکور از سنت‌های رفتاری، بر مبنای تحلیل جایگاهی است که این سنت‌ها در نظام اجتماعی دارا هستند. لیکن از نظر عینی و سنت‌های قابل مشاهده‌ی فرهنگ عامه می‌توانیم سنت‌های رفتاری را به این صورت طبقه‌بندی کنیم:

- ۱ - شعائر و تشریفات ۲ - رسوم ۳ - جشن‌ها و اعیاد ۴ - آیین‌ها
 - ۵ - بازی‌های عامیانه ۶ - عرف و عادات اجتماعی ۷ - موسیقی.
- سنت‌های رفتاری: مجموعه سنت‌هایی است که در قالب کلمات و جملات اظهار می‌شوند. این سنت‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش‌ها، فلسفه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای یک جامعه دارند.

درواقع ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و واقعیت‌ها دارد اخذ می‌کند، نه از جنبه هنری و زیبایی‌شناسی. به عبارت دیگر مسئله اساسی در ادبیات عامیانه ویژگی‌های اجتماعی آن است نه ویژگی‌های هنری.

جنبه‌های اجتماعی ادبیات عامیانه را می‌توان به صورت زیر توضیح داد:

۱) ادبیات عامیانه در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک به صورتی ساده و آرام جریان داشته است، لیکن در کتاب‌های تاریخ ادبیات به ندرت نامی از آنها به میان می‌آید، زیرا ادبیات عامیانه تعلق به عوام و توده مردم دارد که آنها نیز یا توان نوشتن نداشتند و یا سلاطین و صاحبان قدرت، امکان و اختیار این کار را از آنان سلب می‌کردند.

۲) ادبیات عامیانه، ادامه کار و فعالیت و زندگی مردم است، بنابراین جنبه تفننی و تجملی ندارد، بلکه مکمل عمل و وسیله‌ای برای ارتقاء زندگی محسوب می‌شود. وابستگی ادبیات عامیانه به زندگی و واقعیت اجتماعی، آن را به ادبیات واقع‌گرا مبدل می‌سازد.

۳) ادبیات عامیانه ساده و بی‌پیرایه است، زیرا از زندگی مردمی سرچشمه می‌گیرد که هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب غرضی ندارند. و از سوی دیگر اگر ادبیات عامیانه دشوار و پیچیده باشد، درست به زبان، جاری نمی‌شود و به سهولت از یاد می‌رود، در نتیجه امکان انتقال شفاهی آن از طریق سینه به سینه و نسل به نسل از میان می‌رود و به تدریج فراموش می‌شود. بنابراین، ناگزیر بی‌تکلف و به دور از پیرایه است.

۴) ادبیات عامیانه طبیعت‌گرا و متأثر از طبیعت است، زیرا علوم در طبیعت زندگی می‌کنند و مدام در حال مبارزه‌ی با آن هستند و به این ترتیب حتی نوع گاو و اسبی که مطلوب مردم رنجبر روستایی است، گاو قوی یا اسب بازکش است، نه گاو خوش خط و خال یا اسب مسابقه.

۵) ادبیات عامیانه، ادبیات سیاسی است. زیرا انعکاسی از مبارزه‌ی دائم مردم با ستمگران و صاحبان قدرت است و یا آنکه انعکاسی از آرزوهای حق‌طلبانه و عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی است.

۶) ادبیات عامیانه همگام با مقتضیات نسل‌ها دگرگون می‌شود، زیرا همواره حوادث و شرایط جدیدی به وجود می‌آید که اگرچه تغییراتی بطنی و کند است، ولی ثبات همیشگی ادبیات عامیانه را برهم می‌زند و پیوسته آن را تغییر می‌دهد. ۱۷

- گونه‌های ادبیات عامیانه:

الف - داستان‌های عامیانه

داستان‌ها و افسانه‌ها جزء کهن‌ترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشر به جای مانده است. مسلماً پیش از آن که بشر وارد دوران تاریخی شود و روایت‌های مهم زندگی خویش را به یاری نقوش و علائم قابل رویت برجای گذارد، به مدتی دراز افسانه‌ها را در نهان‌خانه‌ی ضمیر و مخزن حافظه‌ی خویش نگاه می‌داشت و سپس دهان به دهان و سینه به سینه به اخلاف خویش می‌سپرد.

فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی O نعمت‌الله فاضلی

واژه folklor مرکب از دو بخش folk به معنی توده و مردم، و lore به معنی دانش، است. این واژه نخستین بار در سال ۱۸۴۶ م. توسط باستان‌شناس انگلیسی ویلیام جان تامز (با نام مستعار «امبروز مورتون») ساخته شد. ویلیام تامز، فولکلور را به عنوان جانشینی برای اصطلاح نادرست «عتیقات عامیانه» پیشنهاد کرد که عتیقه‌شناسان انگلیسی و زبان‌شناسان آلمانی در نیمه نخست سده‌ی نوزدهم میلادی برای مطالعه‌ی راه و رسم زندگی طبقات پایین اجتماع ساخته بودند. ۱

ویلیام تامز، فولکلور را گونه‌ای نظم علمی می‌دانست که موضوع آن بحث درباره‌ی دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی ۲ است. اگرچه از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم همگام با گسترش علوم اجتماعی و به خصوص مردم‌شناسی فرهنگی ۳ شاخه‌ی علمی جدید فولکلور رفته رفته توسعه یافت، لیکن همیشه به عنوان یک نظام علمی که به موضوع خاصی می‌پردازد و در خود آن موضوع نیز گونه‌ای ابهام وجود دارد به کار رفته است. مثلاً گئورگ هرزو می‌نویسد: فولکلور مسائل و بخش‌هایی از فرهنگ است که ابدی شده و با حکایات شفاهی، افسانه‌ها، آوازهای عامیانه و رقص‌ها بیان می‌شود. ۴ در ایران هم اکثر کسانی که در زمینه‌ی گردآوری موضوعات فرهنگ عامه کار و تحقیق کرده‌اند، تعریف هرزو را پذیرفته‌اند و عموماً فولکلور را مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و اعمال و رفتاری دانسته‌اند که در میان عامه‌ی مردم سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. ۵

در حال حاضر، در نتیجه تحقیقات زیادی که در کشورهای مختلف در زمینه‌ی گردآوری موضوعات فرهنگ عامه انجام گرفته است و در نتیجه توسعه‌ی علم مردم‌شناسی و قوم‌شناسی، ۶ فولکلور به یک رشته‌ی علمی و دانشگاهی تبدیل شده است که در آمریکا و برخی کشورهای دیگر در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دوره‌های تخصصی، تحصیل و تدریس می‌شود ۷ و به مطالعه فرهنگ عامه می‌پردازد و در زبان فارسی می‌توان آن را «فرهنگ عامه‌شناسی» نامید.

سنت ۸

موضوع فولکلور پرداختن به جنبه‌های سنتی ۹ جامعه، یعنی شیوه‌های اعمال، رفتار، عادات و باورهای سنتی است. ۱۰ بنابراین در فرهنگ عامه‌شناسی، سنت، یک واژه‌ی بنیادی است که این دانش را از دانش‌های دیگر متمایز می‌کند. در زبان فارسی واژه‌ی سنت سه کاربرد عامیانه، مذهبی و علمی دارد. در کاربرد عامیانه، واژه‌های سنت و سنتی مترادف کهنه و قدیمی و گاهی منسوخ و متروک هستند. در دین، سنت، مفهومی مقدس دارد و به معنای ودیعه‌ی

الهی است که توسط گذشتگان به ما رسیده است و امکان هیچ‌گونه دخل و تصرف و تغییری در آن وجود ندارد و نگهداری و آموزش آن به دیگران و نسل‌های آینده، وظیفه هر فرد دیندار است. ۱۱ از نظر علمای اسلام «سنت» معنای «طریقه» و «سیره» می‌دهد، که مسلمانان ملزم به عمل کردن آن هستند. ۱۲

در فرهنگ عامه‌شناسی، تعریف و برداشت خاص علم مردم‌شناسی از «سنت» در نظر است. از این دیدگاه، سنت مجموعه‌ی افکار، اعمال و احساسات و در حقیقت میراث مشترک زندگی اجتماعی یک گروه است که از نسل‌های گذشته به جا مانده است. افراد معمولاً برای انجام اعمال، پذیرش افکار و بروز احساساتی که سنتی هستند نیازی به دلیل ندارند، زیرا جنبه‌های سنتی جامعه در بین عموم افراد متداول است. از دید مردم‌شناسی، جنبه‌های سنتی فرهنگ نه تنها میراث گذشته است، بلکه هر عنصر سنتی حامل یک ارزش و مبین داوری جامعه درباره چیزی است. هر جامعه‌ای آداب را به خوبی می‌شناسد و پاره‌ای از آنها را پسندیده یا ناپسند می‌داند. سنت، حفظ داوری‌های جامعه است و هر عنصر سنتی از یک ایده و ارزش حکایت می‌کند. بنابراین مجموعه‌ی الگوهای فرهنگی ۱۳ که ویژگی‌های زیر را دارا باشند، جزو بررسی‌های فولکلوریک قرار دارند:

(۱) الگوهای فرهنگی که در بین عموم افراد جامعه رواج دارند و مردم، آنها را پذیرفته و عمل می‌کنند.

(۲) الگوهای فرهنگی که پذیرش و عمل کردن آنها به صورت «عادت اجتماعی» بوده و از نظر مردم بديهی تلقی می‌شوند و نیازی به توجیه عقلی ندارند.

(۳) الگوهای فرهنگی که معمولاً در جامعه به طور صریح و روشن، قابل تفکیک از الگوهای جدید هستند و در کنار عناصر جدید قرار دارند و با آنها آمیخته شده‌اند.

(۴) الگوهای فرهنگی که به طور جمعی و در نتیجه زندگی اجتماعی و گروهی خلق شده‌اند و پدیدآورنده آن جامعه است و در مواردی که سازنده مشخصی دارد، ناشناخته و از نظر مردم به کارگیری آنها بدون اهمیت تلقی می‌شود.

(۵) الگوهای فرهنگی که نه به طور خاص، بلکه در مجموعه‌ی فعالیت‌های زندگی افراد جامعه نقش و وظیفه‌ای را به عهده دارند. بنابراین می‌توان فرهنگ عامه را به عنوان موضوع فولکلور، مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی سنتی دانست که چگونگی اندیشه، احساس و عمل فرد را تعیین و تنظیم می‌کند. این الگوها، گستره‌ی وسیعی دارند و تمامی جنبه‌های زندگی را دربرمی‌گیرند. از چگونگی تولد نوزاد، مراحل رشد، زبان‌آموزی، بلوغ، ازدواج، شغل و... تا چگونگی مرگ و باورهای مربوط به آن.

سنت‌هایی که فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - سنت‌های مادی ب - سنت‌های رفتاری ج - سنت‌های گفتاری

سنت‌های مادی: به مجموعه‌ی آثار، اشیاء، کالاها، بناها و

۴) ضرب المثل، مثل و تمثیل

۵) چپستان

۶) لطیفه‌ها و بذله‌گویی‌ها

تاریخچه‌ی بررسی‌های فولکلوریک

توجه به آداب و رسوم عامه و زبان و گفتار آنها و نکات جالب توجه و شنیدنی از قدیم‌الایام، یکی از سرگرمی‌ها و موضوع‌های موردنظر نویسندگان بوده است. معمولاً در کتاب‌های مردم‌شناسی، هرودوت - مورخ یونانی - را نخستین فردی می‌شناسند که در کتاب «تاریخ» خود درباره‌ی آداب و رسوم ملت‌ها مطالبی نوشته است. در قرون وسطی، مورخان، سیاحان و جغرافی‌دان‌ها در کتاب‌های خود به مسائل فرهنگ عامه توجه داشتند و برخی واژه‌ها، رسوم و آیین‌های مردم را ثبت و ضبط می‌کردند. در بین مسلمانان نیز عده‌ی زیادی از نویسندگان به برخی مسائل و موضوع‌های فرهنگ عامه پرداخته‌اند و برخی از آنها مانند ابوریحان بیرونی و ابن‌خلدون مطابق روش‌ها و اصول خاصی که از نظر علم مردم‌شناسی امروزی هم معتبر است، درباره‌ی این امور بررسی و تحلیل نموده‌اند.

همچنین ابوالحسن علی‌بن‌حسین مسعودی در قرن چهارم هجری در اثر خود به نام مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر به کتابی از «ابوعقال دبیر» اشاره می‌کند که این کتاب اختصاص به فرهنگ عامه داشته است. ۲۰ بنا بر این می‌توان پذیرفت که جمع‌آوری موضوعات فولکلوریک به دوره‌هایی دورتر از آنچه تاکنون نوشته‌اند، مربوط است.

در اروپا در قرن هفدهم حرکت مهمی برای ثبت مسائل فرهنگ عامه به وجود آمد. بالارد فرانسوی در ۱۷۱۱ م. مجموعه‌ای از ترانه‌ها و عادات شفاهی مردم را جمع‌آوری نمود. گوتفرد هردر (۱۷۴۴-۱۸۰۳) شاعر، منتقد و فیلسوف آلمانی، در آلمان تحقیقات فولکلوریک را توسعه داد. هردر معتقد بود که شعر صرفاً از طریق توجه به بافت و زمینه جغرافیایی، قومی و فرهنگی آن قابل درک است و اشعار عامیانه نه تنها زاده فرایندهای عقلی بلکه نتیجه‌ی الهامات عارفانه و عواطف شدید هستند. وی عقیده متداول در آن روزگار را که ادبیات یونان را معیار سنجش ادبیات دیگر اقوام می‌دانست، رد کرد و بیش از هر چیز به ادبیات قومی از آن جهت که تجلی‌بخش روح ملی بود، تأکید نمود. به تبعیت از هردر، محققان کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری بر آن شدند تا روح ملی خویش را در گویش‌های بومی، قصه‌های عامیانه و ترانه‌ها و سروده‌های محلی که به زبان‌های محلی گفته و نوشته شده بود، بازیابند. ۲۱ در ایران به گفته‌ی ابوالقاسم انجوی شیرازی، اولین فردی که مسائل فولکلوریک را گردآوری و تألیف کرد، آقای جمال خوانساری است. وی تحقیقات خود را در کتابی به نام عقایدالنساء گردآوری کرد. عقایدالنساء توجه مردم را جلب نمود و عامه آن را به اسم کلثوم‌ننه می‌شناسند، این کتاب دارای نثری شیوا و آمیخته به طنز است و برخی آداب و معتقدات زنان دوره صفویه در آن نوشته شده است. ۲۲

سفرنامه‌هایی که مستشرقان و سیاحان اروپایی و غیراروپایی درباره‌ی

ایرانیان نوشته‌اند، یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعات فولکلوریک ایران است. سفرنامه‌های تاورنیه، شاردن، مادام دیولافولا، اوژن فلاندن، کلاویخو و کتاب‌های تاریخ کیانیان اثر کریستین سن دانمارکی، سه سال درباره‌ی ایران اثر فوریه و ده‌ها اثر دیگر را از جمله‌ی این بررسی‌ها می‌توان ذکر نمود.

برخی از محققان غربی به تحقیق و تفحص علمی و دقیق در فرهنگ عامه‌ی ایران پرداخته و آثار ارزشمندی عرضه کرده‌اند. برای مثال ماسکوویچ در ۱۹۳۴ م. مجموعه‌ای از افسانه‌های عامیانه ایرانی را بررسی نموده است. انقلاب مشروطیت موجب تحول در شیوه‌های سخن گفتن و نوشتن به زبان فارسی شد و فرهنگ عامیانه از ارزش و پایگاه بهتری برخوردار گشت. در این دوره، برای روشن شدن اذهان مردم، صحبت کردن به زبان ساده‌تری که قابل فهم عوام باشد، ضروری بود و پیروی از زبان رسمی و کلاسیک گذشته موجب تأثیرگذاری کمتر نوشته‌ها می‌شد. آقاسیدجمال‌الدین واعظ، مشهور به اصفهانی اولین کسی بود که قبل از مشروطیت در منابر متعدد وعظ و خطابه‌های خود در اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و پایتخت منحصرأ به زبان عامیانه صحبت می‌کرد. روزنامه‌های عصر نیز در ترویج زبان، مؤثر واقع شدند. همچنین روزنامه فکاهی کشکول که به همت شیخ احمد کرمانی به زبان فارسی ساده و معمولی منتشر می‌شد، روزنامه فکاهی حشرات الارض در تبریز، روزنامه نسیم شمال، روزنامه‌های شاهسون چاپ استانبول، نوشته‌های علی‌اکبر دهخدا با نام چرند و پرند و نوشته‌های ایرج میرزا، از جمله نمونه‌هایی بودند که به ترویج زبان و ادبیات عامیانه کمک کردند.

عده‌ای از محققان ایرانی در ابتدای قرن حاضر بین سال‌های هزار و سیصد و هزار و سیصد و چهل به گردآوری موضوعات فرهنگ عامه پرداختند. به عنوان مثال امیرقلی امینی دو کتاب تحت عنوان هزار و یک سخن در امثال و حکم و فرهنگ عوام در زمینه ادبیات عامیانه تألیف نمود. فضل‌الله صبحی مهدی، به گردآوری قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه‌ی مناسب کودکان و نوجوانان پرداخت و چند اثر در این زمینه تدوین کرد. محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت، محمد مکرری، حسین کوهی کرمانی، محمدپروین گنابادی، محمدبهمین بهمن‌بیگی، محمود دانشور، صادق کیا، محمدجعفر محجوب، یحیی ذکا، علی بلوکباشی، صادق همایونی، جلال آل‌احمد، هاشم پورکریم و عده‌ی زیاد دیگری تاکنون در زمینه‌ی ادبیات عامیانه و فرهنگ عامه کتاب‌هایی منتشر کرده‌اند. ۲۳

فعالیت در زمینه‌ی فرهنگ عامه در ایران چنان گسترش یافت که اکنون بیش از صدها کتاب و مقاله در این مورد نوشته شده است. عمده‌ی آثار و تحقیقات انجام شده در این زمینه، در دو کتاب‌شناسی به نام‌های کتاب‌شناسی فرهنگ عامه و مردم‌شناسی ایران تألیف محمود زمانی و علی بلوکباشی و فهرست مقالات مردم‌شناسی گردآوری شده و در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران درج گردیده است.

منابع:

۱) تاریخ مردم‌شناسی، ژان پواریه، مترجم پرویز امینی، انتشارات خردمند،

کهن‌ترین توجیهی که از کیفیت آفرینش و ایجاد طبیعت و انسان شده به صورت افسانه‌ها و اساطیر بوده است. حتی احکام و دستوره‌های خدایان نیز نخست در قالب افسانه‌ها به افراد ابلاغ می‌شد. افسانه‌ها قرن‌ها پیش از آغاز زندگی تاریخی بشر پدید آمده است. از همین رو تنها روزنه‌ی نورانی و پرتو روشنگری است که به تاریخ‌خانه‌ی قرون و اعصار قبل از تاریخ می‌تابد. به نحوی که تنها طریق، جهت پی بردن به آداب و رسوم و سنن و عقاید دینی و اجتماعی اقوام و قبایل ماقبل تاریخ، روان‌شناسی تیره‌های باستانی و به طور کلی اطلاع یافتن از ازمه‌ی قدیم و تمایلات اقوام آن روزگار مطالعه‌ی افسانه‌های کهن است. ۱۸

انواع داستان‌های عامیانه:

۱) داستان‌هایی که زاده‌ی قریحه‌ی داستان‌سرایان است و اصل و ریشه‌ی تاریخی ندارد، مانند امیرارسلان، ملک بهمن، بدیع‌الملک، نوش‌آفرین، گوهرتاج و هزار و یکشب.

۲) داستان‌هایی که ریشه‌ی تاریخی یا حماسی دارند، اما بر اثر گذشت زمان رنگ و صبغه‌ی تاریخی خود را از دست داده و با جلوه‌های افسانه‌ای درآمیخته‌اند و امروزه به افسانه شباهت بیشتری دارند. نظیر: ابومسلم‌نامه، تیمورنامه، اسکندرنامه، قصه امیرالمؤمنین حمزه (رموز حمزه) و مختارنامه.

۳) آن دسته از داستان‌های مذهبی و دینی که انگیزه‌ی قهرمانان آنها، جنگ با کافران و قلع و قمع کردن آنان به قصد ترویج دین اسلام است. خاورنامه، مختارنامه و اسکندرنامه از این جمله‌اند و از الگوی محتوای واحدی پیروی می‌کنند. در اسکندرنامه حتی اسکندر نیز با کافران می‌جنگد و آنها را مسلمان می‌کند.

۴) داستان‌های عاشقانه‌ای که اگرچه مسائل عشقی و عاطفی زمینه‌ی اصلی داستان را تشکیل می‌دهند ولی درواقع وصال معشوق بهانه‌ای است تا پای قهرمان داستان را به ماجراهای گوناگونی نظیر جنگ با زشتی‌های و پلیدی‌ها بکشاند. به عبارت دیگر انتقاد از وضعیت موجود، اشاعه‌ی مفاهیم اخلاقی و جلوگیری از مفاسد اجتماعی و... از جمله پیامهای داستان محسوب می‌شوند. بعضی از این گونه کتاب‌ها با اندک تغییر و تبدیلی از روی کتاب‌های قدیم مانند هزار و یکشب، سندبادنامه و نظایر آن نگاشته شده‌اند. هفت‌پیکر، بهرام‌گور، داستان‌های حاتم طایی و دختر برزخ بازرگان، چهار درویش، سلیم جواهری از این گروه‌اند. سمک عیار و داراب‌نامه نیز زمینه‌ای عاشقانه دارند.

۵) داستان‌های اخلاقی و حکمت‌آمیزی که در قالب تمثیل به بیان اصول و مفاهیم اخلاقی و پند و اندرز حکیمانه می‌پردازند. داستان‌های کلیله و دمنه، چهل طوطی و برخی داستان‌های هزار و یکشب در این گروه قرار می‌گیرند.

۶) مثل‌ها: قصه‌هایی کوتاه با مضامینی لطیف و سرگرم‌کننده و آموزنده هستند که همه یا قسمتی از آن معمولاً به صورت شعر یا مقفع یا شبه‌بحر طویل بیان می‌شوند. قهرمان مثل‌ها را اغلب حیوانات و گاهی انسان و سایر مظاهر طبیعت تشکیل می‌دهند. از جمله‌ی مثل‌های می‌توان از خاله سوسکه، کک به تنور، داشت و نداشت و... نام برد.

۷) داستان‌هایی که متأثر از باور عوام راجع به موجوداتی چون: دیو، آل، پری، روح، شیخ و غیره هستند که البته گاه برخی از آنها جنبه‌ی اسطوره‌ی پیدا می‌کنند. مانند عقایدی که درباره‌ی خدایان و عالم ماوراءالطبیعه وجود دارد.

ب) اشعار عامیانه:

دومین بخش مهم ادبیات عامیانه‌ی فارسی را اشعار عامیانه تشکیل می‌دهند که شامل مجموعه‌ی گفتارهای منظومی هستند که به مناسبت‌های مختلف در حین کار و فعالیت، جشن‌ها و آیین‌ها، سوگواری‌ها، در هنگام بازی و تفریح و یا برای خواباندن کودکان و سرگرم کردن آنها و یا به صورت ترانه‌های محلی همراه با موسیقی سنتی خوانده می‌شوند. این اشعار که اغلب سراینندگان نامعلومی دارند، ترکیبی از واژه‌های ساده و قابل فهم برای عامه‌ی مردم و دارای آهنگی خاص هستند. اشعار عامیانه معرف روحیات و افکار توده‌ی مردم و برخاسته از نیازهای طبیعی روزمره‌ی آنها می‌باشند.

لالایی‌ها، ترانه‌ها و اشعار مذهبی از انواع اشعار عامیانه محسوب می‌شوند. لالایی‌ها نقش مهمی در اجتماعی شدن کودکان ایفا می‌کنند به نحوی که می‌توان گفت اهداف، ارزش‌ها و خواسته‌های خانواده و جامعه از طریق آنها به کودکان منتقل می‌شوند. همچنین از آنجایی که لالایی‌های فارسی عموماً به صورت محاوره‌ای و آمیخته با گویش محلی مناطق مختلف کشور می‌باشند، به زبان‌آموزی کودکان کمک می‌کنند.

مرثیه، نوحه، مولودیه و مدایح مذهبی از انواع اشعار عامیانه مذهبی هستند که نام برخی از سراینندگان آنها در ادبیات رسمی ما معلوم و مشخص است، لیکن شعرهای مذهبی بسیاری نیز وجود دارند که شاعران آنها ناشناخته‌اند. نوحه‌ها و مرثیه‌هایی که به مناسبت ایام عاشورا و درباره‌ی شهدای کربلا سروده شده‌اند مهم‌ترین اشعار مذهبی عامیانه محسوب می‌شوند.

ترانه‌ها بخشی از اشعار عامیانه‌اند که پیام آنها عشق، دوستی و شرف است و به علت وجود آهنگ یا سازی که آنها را همراهی می‌کند، برای روستاییان و عامه نه تنها موجب سرگرمی و یا ارضاء معنوی و هنری می‌شود، بلکه به مثابه یک نیاز واقعی است که با حرکات روزمره پیوندی نزدیک دارد.

ج - زبان عامیانه:

سومین بخش از ادبیات عامیانه را «زبان عامیانه» تشکیل می‌دهد که کاربردهای ژبانی بسیاری نیز دارد و درحقیقت یک نوع استفاده ساختگی از زبان محسوب می‌شود و نه تنها شامل مفاهیم لغوی است، بلکه مواردی مانند کتابه‌ها، اشاره‌ها و تشبیهات را هم شامل می‌شود. همان‌طور که زبان مکتوب ممکن است قواعد و سبک‌های خاص خود را داشته باشد، زبان عامیانه نیز با کاربرد عبارات و اصطلاحات و شیوه‌های بیانی خاص خود شکل می‌گیرد و اصولاً یکی از ویژگی‌های آن متعلق بودن به جامعه و گروه خاصی است به نحوی که بین تمام اعضای آن جامعه یا گروه مشترک باشد. اجزاء زبان عامیانه عبارتند از:

۱) اصطلاحات و عبارات محبت‌آمیزی که به وسیله پدران و مادران و فرزندانشان به کار برده می‌شوند.

۲) اصطلاحاتی که افراد به عنوان چاشنی کلام به کار می‌برند و گاه ممکن است قراردادی باشند و یا به اشیایی خاص اطلاق شوند.

۳) زبان تابو: گاه مردم از به کار بردن نام موجودات یا اشیایی که به نظام عقیدتی آنها مربوط می‌شود، خودداری می‌کنند و ۱۹ زبان تابو شامل اصطلاحاتی است که مردم برای نامیدن اشیاء بدون کاربرد اسم حقیقی آنها مورد استفاده قرار می‌دهند.

۱۹) راهنمای گردآوری سنتهای شفاهی / ۹۷.
 ۲۰) مروج الذهب ج ۱ / ۳۹.
 ۲۱) ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان / ۱۶-۱۷.
 ۲۲) گذری و نظری در فرهنگ مردم / ۱۳.
 ۲۳) جامعه‌شناسی عوام / ۲۰.
 + ادبیات عامیانه، ادامه کار و فعالیت و زندگی مردم است، بنابراین جنبه تفننی و تجملی ندارد، بلکه مکمل عمل و وسیله‌ای برای ارتقاء زندگی محسوب می‌شود. وابستگی ادبیات عامیانه به زندگی و واقعیت اجتماعی، آن را به ادبیات واقع‌گرا مبدل می‌سازد

+ از دید مردم‌شناسی، جنبه‌های سنتی فرهنگ نه تنها میراث گذشته است، بلکه هر عنصر سنتی حامل یک ارزش و مبین داورى جامعه درباره چیزی است

+ ادبیات عامیانه طبیعت‌گرا و متأثر از طبیعت است، زیرا علوم در طبیعت زندگی می‌کنند و مدام در حال مبارزه‌ی با آن هستند و به این ترتیب حتی نوع گاو و اسبی که مطلوب مردم رنجبر روستایی است، گاو قوی یا اسب بارکش است، نه گاو خوش خط و خال یا اسب مسابقه

+ ادبیات عامیانه، ادبیات سیاسی است. زیرا انعکاسی از مبارزه‌ی دائم مردم با ستمگران و صاحبان قدرت است و یا آنکه انعکاسی از آرزوهای حق‌طلبانه و عدالتخواهی و آزادی‌خواهی است

+ انقلاب مشروطیت موجب تحول در شیوه‌های سخن گفتن و نوشتن به زبان فارسی شد و فرهنگ عامیانه از ارزش و پایگاه بهتری برخوردار گشت، در این دوره، برای روشن شدن اذهان مردم، صحبت کردن به زبان ساده‌تری که قابل فهم عوام باشد، ضروری بود

تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
 ۲) ترانه‌های عامیانه ایران، مجله موسیقی، شماره ۲، دوره ۳، سال ۱۳۳۵.
 ۳) جامعه‌شناسی هنر، امیرحسین آریان‌پور، دانشکده هنرهای زیبا، چاپ اول، تهران ۱۳۵۴.
 ۴) راهنمای گردآوری سنتهای شفاهی، محمدطیب عثمان، مترجم عطاءالله رهبر، آناهیتا، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.
 ۵) ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ولادیمیر پراپ، مترجم فریدون بدره‌ای، توسن، چاپ اول، ۱۳۶۸.
 ۶) ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان، ولادیمیر پراپ، مترجم فریدون بدره‌ای، توسن، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.
 ۷) زمینه فرهنگ‌شناسی، محمود روح‌الامینی، عطار، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۸.
 ۸) سنت، ماکس رادین، مترجم فریدون بدره‌ای، مجله‌ی فرهنگ و زندگی، شماره ۴ و ۵، ۱۳۵۰.
 ۹) طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، اولریش مارزولف، مترجم کیکاوس جهاننداری، سروش، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.
 ۱۰) فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، مترجم باقر ساروخانی، کیهان، چاپ اول، تهران ۱۳۶۶.
 ۱۱) گذری و نظری در فرهنگ مردم، ابوالقاسم انجوی شیرازی، اسپرک، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.
 ۱۲) مبانی انسان‌شناسی، محمود روح‌الامینی، عطار، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۸.
 ۱۳) مبانی جامعه‌شناسی، عبدالحسین نیک‌گهر، رایزن، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۱.
 ۱۴) مبانی جامعه‌شناسی، هانری مندراس، مترجم باقر پرهام، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۹.
 ۱۵) مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی، محمدجعفر محجوب، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۴۱.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱) ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان / ۶.
- ۲) مبانی انسان‌شناسی / ۲۶۵.
- ۳) Cultural anthropology
- ۴) جامعه‌شناسی عوام / ۳۳.
- ۵) مبانی انسان‌شناسی / ۲۶۶.
- ۶) Ethnology
- ۷) ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان / ۹.
- ۸) Traditional
- ۹) traditional dimensions
- ۱۰) فرهنگ علوم اجتماعی / ۱۳۸.
- ۱۱) دایرة‌المعارف علوم اجتماعی ۱۹۳۰ به نقل از فرهنگ و زندگی.
- ۱۲) قاموس قرآن / ۳۴۲ به نقل از مبانی انسان‌شناسی.
- ۱۳) Cultural Pattern
- ۱۴) Mores
- ۱۵) Folk Ways
- ۱۶) Usage
- ۱۷) جامعه‌شناسی هنر / ۹۲.
- ۱۸) کتاب هفته / ۹۴-۹۶.